

چهره‌های از زلال وحی

پیام‌های آسمانی (۵)

میرصادق سیدنژاد

جهان، صحنه امتحان خدا

در جهان بینی الهی اسلام، زندگی در دنیا، راهی برای پیمودن مراحل تکامل است. این امر در محدوده زمانی خاصی انجام می‌گیرد و بر این اساس، دنیا سرای جاویدان نیست. امکانات و نعمت‌های موجود این دنیا، به صورت موقت و امانت در اختیار آدمی قرار داده می‌شود تا در مسیری که برای آنها مشخص شده، به گونه‌ای شایسته استفاده شود و به تحقق سعادت واقعی انسان کمک کند. از آنجا که همه انسان‌ها باید این مسیر را بپیمایند، بدون استثنا همه آنها با اموری آزموده می‌شوند تا حقیقت خود را آشکار سازند. خداوند در اشاره به این حقیقت می‌فرماید: «بدون تردید همه شما را با چیزی از ترس، گرسنگی، زیان مالی و جانی و کمبودها آزمایش می‌کنیم و به کسانی که استقامت را پیشه خود می‌سازند، بشارت ده»^۱. بنابراین، چون جهان هستی نظام تکامل و تعالی است، تمامی موجودات این مسیر را خواهند پیمود. همه باید آزمایش شوند تا استعدادها و حقایقشان آشکار گردد. البته فقط افرادی در این آزمایش سربلند خواهند بود که شکیبایی را پیشه خود سازند.

رمز پیروزی در امتحان الهی

در قرآن کریم، برای موفقیت در امتحانات الهی چندین امر مطرح شده است. یکی از این راهکارها، صبر و استقامت است. خداوند متعالی پس از گوشزد کردن آزمایش بودن همه حوادث زندگی می‌فرماید: «به صبرکنندگان بشارت بده»^۲؛ یعنی در نتیجه بردباری، می‌توان از این آزمایش‌ها سربلند بیرون آمد. موضوع دیگر، یاری خواهی از نیروی ایمان و الطاف الهی است. به طور طبیعی همه انسان‌ها در برخورد با ناملایمات، کم و بیش دچار اضطراب می‌شوند. مردان

خدا در چنین مواقعی، با استمداد از عنایات خداوندی، بر هر نوع اضطراب و پریشانی خاطر غلبه می‌کنند. خداوند می‌فرماید: «کسانی که با اخلاص به خدا روی آورند... نه ترسی بر آنهاست و نه غمگین خواهند شد».^۱ امر دیگر، یادآوری نعمت‌هاست. وقتی امر ناملایمی رخ داد، مؤمن واقعی، نعمت‌های بی‌شمار الهی را به یاد می‌آورد و روح مقاومت را در خود تقویت می‌کند. قرآن کریم می‌فرماید: «نعمت‌های خدا را به یاد آورید تا رستگار و پیروز شوید».^۲

لزوم بیان حق

در دیدگاه قرآن کریم، نه تنها کتمان حق ممنوع است، بلکه بیان آن در خیلی از موارد تکلیف شده است. بر این اساس، پنهان کردن هر چیزی که می‌تواند مردم را به واقعیتی برساند، ناپسند شمرده می‌شود. در بسیاری از موارد، سکوت هم در جایی که باید سخن گفت و حقایق را روشن کرد، محکوم شده است. این در مواردی است که مردم نیاز شدیدی به درک واقعیتی دارند و دانشمندان آگاه می‌توانند با بیان حقیقت، این نیاز را برطرف سازند. پروردگار متعالی در قرآن می‌فرماید: «خداوند از کسانی که کتاب آسمانی به آنها داده شده، پیمان گرفته است که حتماً آن را برای مردم بیان کنند و کتمان ننمایند».^۳ سرگرم ساختن بندگان خدا به مسائل جزئی و فرعی که سبب فراموشی مسائل اصلی و حیاتی می‌شود، نوعی کتمان حق شمرده می‌شود. هنگامی که از حضرت علی علیه السلام پرسیده شد: بدترین خلق خدا بعد از ابلیس و فرعون کیست؟ فرمود: «دانشمندانی که حق را کتمان و باطل را اظهار می‌کنند».^۴

زیان کتمان حق

یکی از موضوعات مهم در همه ادیان الهی، بیان حق است. بر این اساس، در فرهنگ اسلامی، سرپوش نهادن بر حق، از جمله گناهان شمرده می‌شود؛ زیرا در نتیجه جلوگیری از آشکار شدن حق، مفاسد و حق‌کشی‌های فراوانی پدید می‌آید. در مقابل، بیان حقایق می‌تواند نسل‌هایی را برای همیشه از گرفتار شدن به بدبختی و گمراهی رهایی بخشد. کتمان حق، جامعه را از سیر تکاملی باز می‌دارد. برای مثال، اگر علمای یهود و نصارا مطابق بشارت‌های «عهدین» همان‌گونه که خودشان پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله را می‌شناختند، او را به مردم معرفی می‌کردند، در مدت کوتاهی مردم جهان از آیین اسلام پیروی می‌کردند و از گمراهی نجات می‌یافتند. قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «کسانی که دلایل روشن و وسایل هدایت را که نازل کرده‌ایم، بعد از آنکه در کتاب

کتاب
۱۸۷

۲. اعراف: ۶۹.

۴. نور الثقلین، ج ۳، ص ۱۳۹.

۱. بقره: ۱۱۲.

۳. آل عمران: ۱۸۷.

برایشان بیان ساختیم کتمان می‌کنند، خدا آنها را لعنت می‌کند و همه لعن‌کنندگان نیز آنها را نفرین می‌کنند»^۱.

کتمان حقایق قرآن، مایه تفرقه

قرآن کریم پس از بازداشتن مسلمانان از کتمان هر گونه حقیقت، در مورد کتمان احکام و معارف کتاب آسمانی به صورت خاص بحث می‌کند. از آنجا که هدف از فرستادن پیامبران و کتاب‌های آسمانی، هدایت انسان‌هاست، از همگان و به‌ویژه اندیشمندان این معارف، پیمان گرفته شده از کتمان و تحریف این معارف بپرهیزند؛ زیرا در نتیجه کتمان حقایق این کتاب‌ها، بشر در مسیر نامناسبی قرار می‌گیرد و به‌گمراهی می‌افتد. بر این اساس، به تحریف‌کنندگان و کتمان‌کنندگان، نتایج تلخ این کار به صورت‌های گوناگون گوشزد شده است. از جمله این نتایج، ایجاد تفرقه میان مردم جامعه در دنیا و گرفتاری کتمان‌کننده به آتش جهنم در آخرت است. در قرآن می‌خوانیم: «کسانی که آنچه را خدا از کتاب نازل کرده، کتمان می‌کنند... جز آتش چیزی نمی‌خورند... و برای آنها عذاب دردناکی است. اینها همان‌هایی هستند که گمراهی را با هدایت و عذاب را با آمرزش مبادله کرده‌اند... اینها با این کار، خود را گرفتار پراکندگی و اختلاف عمیق می‌سازند»^۲.

راه جبران کتمان حق

برای گناه کتمان حق، همانند دیگر گناهان راه توبه و بازگشت باز است؛ البته توبه واقعی، با پشیمانی قلبی و اصلاح عمل و بیان موارد کتمان صورت می‌گیرد؛ زیرا هر گناهی توبه مناسب خود را نیاز دارد. بر این اساس، راه کسانی که مرتکب گناه کتمان حق شده‌اند، افزون بر پشیمانی واقعی، این است که با کمال شجاعت آنچه را کتمان کرده‌اند آشکار سازند و مفاصدی را که در اثر آن به وجود آورده‌اند، اصلاح کنند. در قرآن کریم وقتی علمای یهود و نصارا به دلیل کتمان حقایق مورد لعن و نفرین قرار می‌گیرند، در ادامه خداوند رحمان و رحیم، مثل همیشه پس از تهدید، روزنه امید را به آنان نشان می‌دهد و می‌فرماید: «به خاطر کتمان حق گرچه مورد لعن و نفرین همگان قرار گرفتند، ولی اگر توبه کنند و بازگردند و اعمال زشت خود را با کارهای نیک اصلاح کنند و آنچه را کتمان کرده بودند آشکار سازند و به این وسیله، مردم را از گمراهی‌های بکشند، خداوند نیز به آنها عنایت می‌کند و به سوی آنها باز می‌گردد و توبه‌شان را می‌پذیرد و تمام گناهان ایشان را که از طرف کتمان حق متوجه‌شان شده بود، می‌آمرزد؛ چرا که خداوند نسبت به بندگان توبه‌پذیر و مهربان است»^۳.

۷

۳۵۲۸

دقت در پدیده‌های هستی

تک تک پدیده‌های هستی و نظم و هماهنگی موجود میان آنها، هر اندیشمندی را به وجود آفریننده جهان و یگانگی او متوجه می‌سازد. متأسفانه مشغول شدن به زرق و برق دنیا، بسیاری از مردم را از چنین دقت و تأملی در پدیده‌ها باز می‌دارد. در قرآن کریم به مناسبت‌های گوناگون، به مطالعه و تفکر در این پدیده‌ها سفارش شده است. در یک مورد می‌خوانیم: «همانا در آفرینش آسمان‌ها و زمین، و در پی یکدیگر آمد و شد شب و روز، و کشتی‌هایی که برای سودرسانی به مردم در دریاها در حرکتند، و در آبی که خداوند از آسمان نازل و با آن زمین مرده را زنده کرده و انواع جنبندگان را در آن گسترده است و همچنین در تغییر مسیر بادها و ابرهایی که میان آسمان و زمین معلق اند، برای مردمی که می‌اندیشند، نشانه‌هایی از ذات پاک خدا و یگانگی او وجود دارد»^۱

استفاده از نعمت‌های پاکیزه

از آنجا که نوع تغذیه آدمی، در تکوین شخصیت معنوی و سلامت جسمانی او مؤثر است، این مسئله در قرآن مورد توجه قرار گرفته است. در قرآن کریم بارها می‌خوانیم: «ای افراد باایمان! از نعمت‌های پاکیزه‌ای که بر شما روزی داده‌ایم بخورید»^۲ و در آیه‌ای دیگر تأکید می‌کند: «ای افراد باایمان! بکوشید از غذاهای پاک بخورید». همچنین در ادامه، مردم را از برخی خوردنی‌های ناپاک و حرام منع می‌کند که گوشت مردار، خون و گوشت خوک از شمار آن است.^۳

بی تردید منع از هر یک از این موارد، به دلیل زیان‌هایی است که از خوردن آنها متوجه انسان می‌گردد. برای نمونه، امام صادق علیه السلام در تبیین فلسفه تحریم مردار می‌فرماید: «هیچ کس گوشت مردار را نمی‌خورد، مگر آنکه بدنش به ضعف و بیماری می‌افتد. غذای مردار، نسل را قطع می‌کند و هر کس به خوردن آن ادامه دهد، دچار مرگ ناگهانی می‌شود»^۴.

شرط تصرف در اموال یکدیگر

تلاش اسلام بر آن است که امنیت اقتصادی در سر تا سر جامعه حاکمیت یابد و هیچ کس در اموال دیگری به ناحق تصرف نکند. این بخش از آموزه‌ها، گاه به صورت کلی و زمانی به صورت جزئی در مجموعه آیات قرآن تأکید شده است. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «اموال یکدیگر را به باطل (و ناحق) نخورید و برای خوردن بخشی از اموال مردم به گناه، (قسمتی از) آن را با عنوان رشوه به قضات ندهید، در حالی که می‌دانید این کار گناه است»^۵.

۲. بقره: ۱۷۲.

۴. وسائل الشیعه، ج ۱۶، ص ۳۱۰.

۱. بقره: ۱۶۳.

۳. نکه: بقره: ۱۷۳.

۵. بقره: ۱۸۸.